

شیوه‌های مبارزه پیامبر (ص) با فرهنگ زن ستیزی عصر جاهلی از دیدگاه قرآن کریم

دکتر ابراهیم فلاح^۱

سیده صفیه میر حسینی^۲

چکیده:

یکی از مهم‌ترین مفاسد اجتماعی دوران بعثت، نگاه جامعه به زن و رفتار با او بوده است. این تحقیق با عنوان «شیوه‌های مبارزه پیامبر (ص) با فرهنگ زن ستیزی عصر جاهلی» در صدد است تا با جستجو در قرآن کریم و بررسی تفاسیر و کتب تاریخی، مهم‌ترین شیوه‌های مبارزه پیامبر (ص) با فرهنگ جاهلی را نشان دهد. در مقاله حاضر، ابتدا واژه جاهلیت و فرهنگ از نظر لغوی و اصطلاحی و معانی آن در قرآن و نهج البلاغه بررسی شد و بعد از دسته بندی این آیات و تفاسیر مربوط به آن‌ها با کمک کتاب‌های تاریخی شیوه‌های مبارزه

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

نشانی الکترونیکی: Fallahabrahim@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

نشانی الکترونیکی: Mh_1352@yahoo.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱/۱۷

* تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۲/۲۰

پیامبر (ص) با این فرهنگ بیان شد. و در پایان نتیجه گرفته شد که عزت و احترامی که زنان بعد از اسلام پیدا کردند، مرهون تلاش‌ها و زحمات رسول اکرم (ص) بوده است.

کلید واژه‌ها: قرآن، محمد، زن، جاهلیت، اسلام، فرهنگ



مقدمه

در طول تاریخ بشر، هیچ موجودی به اندازه «زن» مورد بی‌مهری و ظلم واقع نشده است. موجودی که پروردگار عالم او را مکمل و یار یاور مرد قرار داده است. گاه به دست خود و گاه به دست مردان نابخرد و خودخواه چنان اسیر و مغلوب و مقهور گشته است که زبان از گفتن و قلم از نوشتن آن باز می‌ماند. ضعف و ناتوانی جسمی زنان نسبت به مردان، احساسات و عواطف فراوان آنان، تناسب نداشتن برخی از کارها با طبیعت و ذوق و سلیقه زنان و بسیاری از موارد دیگر، عواملی هستند که دست‌آویز برخی از مردان قرار گرفته و موجب شده‌اند تا عده‌ای باور کنند که مرد از زن برتر آفریده شده است. زنان با این‌گونه تصورات مردان و جامعه نسبت به خود باور کرده بودند که در برابر مردان پست و بی‌ارزش خلق شده‌اند و باید صرفاً در خدمت ارضای غرایز جنسی مرد باشند و بس. هیچ‌گاه تصور نمی‌کردند که زنان نیز بتوانند در رشد و تکامل جامعه مؤثر و نقش‌آفرین باشند و یا صفات و ویژگی‌های زنانه‌شان مکمل صفات و ویژگی‌های مردان باشد. در زمینه ارزش و منزلت زن از نگاه قرآن، مقالات و مطالب و کتاب‌های زیادی وجود دارد، ولی اثر جامعی وجود ندارد که به بیان فرهنگ زمان جاهلیت در مورد زنان و راهکارهای پیامبر (ص) در زمینه دفاع از حقوق زن بپردازد.

سعی این پژوهش، در پاسخ به این پرسش‌هاست که مفهوم جاهلیت چیست؟ شیوه‌های مبارزه پیامبر (ص) با فرهنگ زن ستیزی عصر جاهلی چگونه بوده است؟ در این مقاله سعی شده است تا چگونگی مبارزه پیامبر (ص) با فرهنگ مربوط به زنان زمان جاهلیت بیان و در مقابل، راهکارها و زحمات پیامبر در زمینه مقام زن بررسی شود.

مفهوم‌شناسی واژه جاهلیت

«واژه جاهلیت» از جهل گرفته شده است و معنای حالت و کیفیت جاهل، نادانی دوره پیش از اسلام است؛ عرب عهد بت پرستی. (معین، ۵۲۳)

راغب اصفهانی معتقد است جهل سه گونه است:

۱. خالی بودن نفس و خاطر انسان از علم و دانش که بعضی از متکلمان معنای اولیه جهل را مقتضی و مناسب کارهایی می‌دانند که با بی‌نظمی جریان دارد.
۲. اعتقاد و باور داشتن چیزی برخلاف آنچه هست.
۳. انجام کاری برخلاف آنچه باید انجام شود، خواه درباره آن اعتقاد درست داشته باشد یا

اعتقادی نادرست و فاسد. (راغب اصفهانی، ۳۲۶)

در لسان العرب و مجمع البحرین در معنای این کلمه چنین آمده است: مردمی که نسبت به خدا و پیامبر و شرایع آسمانی جاهل بوده، تفاخر به آباء و اجداد نموده و با کبر و غرور زندگی می کرده‌اند، مردم جاهلی خوانده می شدند. (ابن منظور، ۱۲۹/۱۱؛ طریحی، ۳۴۵/۵)

به عقیده جواد علی جاهلیت به معنای سفاهت، حماقت، خشم و تسلیم پذیری در برابر اسلام و احکام آن می باشد. (علی، ۱۴۰/۱)

«واژه جاهلیت» در چهار سوره قرآن کریم (آل عمران، ۱۵۴؛ مائده، ۵۰؛ احزاب، ۳۳؛ فتح، ۲۶) آمده است. کاربرد کلمه جاهلیت در آیات فوق، نشان می دهد که قرآن برخی از کارهای دوره بعثت را که با معیار واقعی اسلام سازگار نیست، جاهلی دانسته و آن‌ها را محکوم می کند.

در نهج البلاغه، نیز در مواردی کلمه جاهلی و جاهلیت به کار رفته است. حضرت علی (ع) مردم را از اطاعت رؤسای ناصالح که بر پایه قواعد ناشی از عصبیت و فتنه و شمشیر و تفاخرات جاهلی حرکت می کنند، باز می دارد. (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۱)

مفهوم شناسی واژه فرهنگ

الف) فرهنگ در لغت

«فرهنگ، واژه‌ای فارسی و به صورت «فرهنج» نیز آمده که در عربی به معنای «الثقافة» است «الثقافة» یعنی دانشمند و روشنفکر، با فرهنگ بودن، فرهنگ و علوم و معارف». (بندرریگی، ۵۲)

ب) فرهنگ در اصطلاح

فرهنگ در معنای اصطلاحی عبارت است از کیفیت یا شیوه بایسته و یا شایسته برای آن دسته از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌ها که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعید شده آنان در حیات تکاملی باشد. (جعفری تبریزی، ۷۷) در واقع، فرهنگ مجموعه بینش‌ها، گرایش‌ها و ارزش‌های یک ملت است. (مجله معرفت، ۴۸/۱۶)

شیوه‌های مبارزه پیامبر (ص) با فرهنگ زن ستیزی

یکی از مهم‌ترین مفاسد اجتماعی دوران بعثت، نگاه جامعه به زن و رفتار با او است. زن در زمان جاهلیت یک موجود پست، عامل ننگ، وسیله هوسرانی مردان، کالای مورد تجارت

ثروتمندان، ضعیف و ذلیل و ... بشمار می‌رفت، به علت تأثیری که این نوع نگاه و رفتار در گسترش مفاسد داشت، پیامبر گرامی اسلام (ص) در برنامه اصلاحی خویش به تحوّل در این نگاه و رفتار در مورد زنان اهمّیت فراوانی داد و به اقدامات زیر پرداخت:

الف) اصلاح نگرش جامعه به زن

در قرآن مجید آیات فراوانی پیرامون شخصیت زن وجود دارد که با بررسی آن‌ها مشخص می‌شود که نگرش اسلام به زن با نگرش دیگران چقدر تفاوت دارد. پیامبر اکرم (ص) با تبیین این گونه آیات، شخصیت واقعی و حقیقی زن را به جامعه آن روز معرفی نمود و زمینه تغییر رفتار با او را فراهم نمود. به عبارت دیگر، آن حضرت ابتدا به تغییر نگاه جامعه به زن اقدام نمود و سپس حقوق او را که مبتنی بر آن نگرش بود، مطرح کرد. نمونه‌ای از آیات قرآن که پیرامون زن و شخصیت او مطرح شده است، عبارتند از:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً» (نساء، ۱) «ای مردم بترسید از پروردگار خود، آن خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید و هم از آن جفت او را خلق کرد و از آن دو تن خلقی بسیار در اطراف عالم از مرد و زن برانگیخت».

این آیه در مورد آفرینش زن و مرد است. طبق این آیه، زن و مرد دارای یک سرشت و از یک جنس هستند؛ و هیچ تفاوتی با یکدیگر در اصل خلقت ندارند. (جوادی آملی، ۱۰۹)

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل، ۹۷) «هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که، مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد».

یکی دیگر از نظریات تحقیرآمیزی که نسبت به زن وجود داشت، این بود که زن نمی‌تواند مقام‌های معنوی و الهی را طی کند و به مقام قرب الهی - آن طوری که مردان می‌رسند - برسد. می‌گفتند: زن به بهشت نمی‌رود. قرآن مجید در آیات فراوانی با این نگاه و نگرش به مبارزه برخاسته و تصریح می‌کند که پاداش اخروی و قرب الهی مربوط به جنسیت نیست، بلکه به ایمان و عمل صالح مربوط است، خواه از طرف زن باشد یا از طرف مرد. (مطهری، ۱۵۰)

رسول گرامی اسلام با تبیین آیات قرآن و سیره عملی خود، با نگرش موجود به زن مبارزه نمود و نگرش صحیح مبتنی بر حقایق عالم هستی را جایگزین آن نمود. نگرشی که زن را از لحاظ گوهر هستی و اصل مبدأ، همتای مرد معرفی کرد و وجود زن را عامل

سکونت و آرامش برای جامعه انسانی شناساند و به این وسیله زمینه بیان حقوق فردی و اجتماعی را را به وجود آورد.

(ب) احیای حقوق زن در جامعه

پیامبر گرامی اسلام (ص) در جهت حفظ تعادل جامعه انسانی، مبارزه با رفتار ظالمانه آن عصر با زن و از بین بردن مفسدات جنسی گسترده آن زمان، به تبیین حقوق زن در بخش‌های مختلف اقدام نمود و به این وسیله گام بزرگی در جهت اصلاح روابط اجتماعی برداشت و انقلابی نوین و تعالی بخش را به وجود آورد. او با تحولی که در نگرش جامعه به زن ایجاد نمود، زمینه حضور مفید و مؤثر او را در صحنه‌های مختلف اجتماع به وجود آورد و با سیره عملی خویش مردم را به این حقیقت آگاه نمود که فعالیت زنان متدین و با فضیلت با رعایت عفت و پاکدامنی می‌تواند منشأ برکات فراوانی برای جامعه باشد. سیره پیامبر اکرم (ص) در مورد حضور اجتماعی زن به گونه‌ای بود که آن‌ها در صحنه‌های گوناگون اجتماع، حضوری مؤثر و فعال داشتند.

در تاریخ از زنانی سخن گفته شده است که در راه تحقق آرمان بعثت رسول اکرم (ص) مجبور به هجرت شده‌اند و هم‌تا و هم‌سفر مردان، به حبشه هجرت کرده‌اند. (ابن هشام، ۳۵۳/۱) وقوع این حوادث در صدر اسلام می‌فهماند که رسول گرامی اسلام با تعالیم خود فرصتی را برای زنان به وجود آورده بود تا آنان بلوغ فکری و فرهنگی خود را نشان دهند و در حالی که بسیاری از مردها در تشخیص حقانیت اسلام مردد بودند، آن‌ها حق را تشخیص داده و شهادت اظهار آن را در فضای جاهلیت داشته باشند. در پایان این بحث به آیه ۳۵ احزاب اشاره می‌شود:

«إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»؛ «در حقیقت، مردان مسلمان و زنان مسلمان و مردان با ایمان و زنان با ایمان و مردان فرمانبردار [فروتن] و زنان فرمانبردار [فروتن] و مردان راستگو و زنان راستگو و مردان شکیبا و زنان شکیبا و مردان فروتن و زنان فروتن و مردان صدقه‌دهنده و زنان صدقه‌دهنده و مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار و مردانی که دامانشان را (در امور جنسی) حفظ می‌کنند و زنانی که (دامان خویش را) حفظ می‌کنند و مردانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند و زنانی که (خدا را فراوان) یاد می‌کنند، خدا برای آنان آمرزش و پاداش بزرگی

آماده کرده است».

در این آیه آمده است که زنان نیز مانند مردان می توانند با تلاش فردی و اجتماعی و رعایت دستورات خداوند به ده مقام عالی ملکوتی و معنوی برسند. ۱. مقام اسلام، ۲. مقام ایمان، ۳. مقام طاعت، ۴. مقام صدق، ۵. مقام صبر، ۶. مقام فروتنی، ۷. مقام وجود، ۸. مقام روزه، ۹. مقام مالکیت، ۱۰. مقام ذکر حق. (بابایی، ۶۱۱/۳)

ج) حقوق زن در خانواده

اصلاح روابط خانوادگی از جمله اقدامات سرنوشت ساز پیامبر اکرم (ص) در مبارزه با مفاسد اجتماعی بود. در عصر جاهلیت، کمترین توجه و عنایتی به اراده و خواست دختر در امر ازدواج نمی شد. او مجبور به ازدواج با کسی می شد که پدر یا رؤسای قبائل تصمیم گرفته بودند. زن هیچ سهمی از مهر و صدق نداشت و در حقیقت او را می فروختند و بعد از ازدواج و تشکیل خانواده، زن مقهور اراده و تمایلات مرد بود. او کنیزی بود که مطابق هوس های شوهرش باید عمل می نمود و این ازدواج در نهایت یا به مرگ شوهر خاتمه پیدا می کرد یا به طلاق، هر کدام که اتفاق می افتاد، آغاز یک بدبختی جدید برای زن بود. (زیدان، ۹۱۹/۵ - ۹۱۸) بدیهی است این آداب و رسوم در جامعه، منشأ بسیاری از مفاسد اجتماعی بوده و به همین جهت رسول اکرم (ص) با تبیین آیات قرآن اقدام به اصلاح روابط خانوادگی نمود و یک نظام انسانی برای زن و مرد در خانواده ایجاد نمود که با اجرای آن، خانواده به کانونی جهت رشد و تعالی و سرچشمه فضایل انسانی تبدیل شد. «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور، ۳۲)؛ «بی همسران خود و غلامان و کنیزان درستکاران را همسر دهید. اگر تنگدستند، خداوند آنان را از فضل خویش بی نیاز خواهد کرد و خدا گشایشگر داناست».

د) تبیین حقوق دختران

تحقیر و پست شمردن دختر، یکی از افکار جاهلی و خرافی عصر بعثت بود. اعراب جاهلی برای این تنفر، اموری را مطرح می کردند از جمله اینکه دختر نقش اقتصادی و تولیدی ندارد و سربار زندگی است، دختر قدرت جنگیدن و دفاع در برابر بیگانه را ندارد و در جنگ ها اگر اسیر شود، عامل ننگ قبیله اش می شود و ... (قرائتی، ۳۶۴/۶) قرآن مجید، از این فکر منحط و روش ظالمانه مبتنی بر آن این گونه خبر می دهد:

«خبر دختر دار شدن، موجب سیاه شدن صورت آنان می شد و خود را از چشم مردم مخفی نگاه

می داشتند و به فکر فرو می رفتند که آیا او را حفظ کنند ذلت و خواری دختر داری را تحمّل کنند و یا زنده در خاک پنهانش سازند». (اسراء، ۳۱) پیامبر گرامی اسلام (ص) بعد از تبیین شخصیت زن و جایگاه او در جهان بینی توحیدی، با این سنت جاهلی و روش ظالمانه به شدت برخورد نمود و آن را از گناه‌هایی کبیره معرفی نمود که غذایی دردناک به دنبال دارد، آن حضرت با سیره عملی و احساسات و عواطف انسانی و الهی خویش به گونه‌ای رفتار نمود که دخترکشی به طور کلی از جامعه آن روز عرب برداشته شد. از طرف دیگر ایشان در سخنان خویش، به وظیفه پدر و مادر در رابطه با دختر اشاره می کردند و مسلمانان را به تکریم این نعمت الهی و حسن خلق با او توصیه می فرمودند: [هر کسی دختری دارد، یاری و برکت و آمرزش خدا شامل حالش می شود] (حرّ عاملی، ۱۰۰/۱۵) علاوه بر این موارد، رفتار آن حضرت با دختران خویش نیز درس عملی به مسلمانان داد.

به این وسیله پیامبر گرامی اسلام (ص) با سخنان، سیره عملی و تبیین وظایف پدر و مادر در مورد فرزند دختر موفق شد. این سنت غیر انسانی را از جامعه آن روز بزداید و بخش دیگری از فرهنگ غلط آن عصر را نابود سازد. قرآن هم زنده به گور کردن دختران را گناه بزرگ دانست و این رسم جاهلی را نسخ کرد.

ه) اقدام پیامبر (ص) در اصلاح امر ازدواج

رسول اکرم (ص) با تبیین آیات قرآن اقدام به اصلاح روابط خانوادگی نمود و یک نظام انسانی برای زن و مرد در خانواده ایجاد نمود. سرشت و طبیعت مخلوقات در این جهان، همسرگیری و ازدواج است. همسرگیری همراه با وجود یافتن و هستی انسان شروع می شود. (نساء، ۱) زن و مرد با ازدواج، آرامش و قرار را در وجود دیگری می یابند و ازدواج به دوستی و مهربانی میان آن دو منجر می شود. (روم، ۲۱)

از طرف دیگر، عالی ترین هدفی که ازدواج موجب تحقق آن می شود، حبّ بقاء است. خداوند متعال این واقعیت را در آیه ۷۲ سوره نحل بیان می کند: «وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِّنْ اَزْوَاجِكُمْ بَنِيْنَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ اَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُوْنَ وَبِنِعْمَتِ اللّٰهِ هُمْ يَكْفُرُوْنَ»؛ «و خدا برای شما از خودتان همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما پسران و نوادگانی نهاد و از چیزهای پاکیزه به شما روزی بخشید. آیا [باز هم] به باطل ایمان می آورند و به نعمت خدا کفر می ورزند؟»

در جای دیگر از زبان بندگان صالح حق، این حب بقاء را به صورت درخواست از خداوند،

این چنین مطرح می کند: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (فرقان، ۷۴) «و کسانی اند که می گویند: پروردگارا، به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنایی چشمان [ما] باشد و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان». قرآن مجید ازدواج را یک وسیله برای اطفای شهوت نمی داند، بلکه غریزه جنسی را عاملی برای ایجاد پرورش فرزندان شایسته می داند و در این رابطه، زن و ازدواج را زمینه پاک و وسیله پاکیزه ای برای حفظ حیات نوع بشر معرفی می کند و به همین دلیل از آمیزش با زن به عنوان یک ذخیره آخرت نام می برد: «نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنِي سِتِّمُوا وَ قَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (بقره، ۲۲۳) «زنان شما کشتزار شما هستند. پس، از هر جا [و هر گونه] که خواهید به کشتزار خود [در] آید و برای شخص خودتان [در بهره‌مندی از آن‌ها] پیشدستی کنید و از خدا پروا کنید و بدانید که او را دیدار خواهید کرد و مؤمنان را [به این دیدار] مژده ده»

پیامبر گرامی اسلام (ص) برای زنان و مردان در انتخاب همسر به استقلال آنان حکم نمود. مخصوصاً در مورد زنان، ازدواج تحمیلی را باطل اعلام نمود؛ و به این ترتیب، اولین مرحله ازدواج را اصلاح نمود و زن را از زنجیرهای جاهلی پدر و قبیله آزاد نمود.

نمونه هایی از سنت‌های غلط جاهلیت

۱. زنا

زنا در عصر جاهلی بسیار شیوع داشته و اکثر ازدواج‌های آنان نوعی زنا و زناکاری بوده است. این عمل زشت گاهی به خاطر فقر و تنگدستی، گاهی برای داشتن فرزند دلیر و در مواردی هم بر اثر هوسرانی و بی بند و باری رخ می داده است. خداوند در آیه ۳۲ سوره اسراء پیرامون منع این عمل فرموده است: «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَةَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلًا»؛ «و به زنا نزدیک مشوید، چرا که آن همواره زشت و بد راهی است».

در تفسیر نمونه، ذیل این آیه آمده است: این آیه به سه نکته اشاره می کند: الف) نمی گوید زنا نکنید، بلکه می گوید به این عمل شرم آور نزدیک نشوید، این تعبیر علاوه بر تأکیدی که در عمق آن نسبت به خود این عمل نهفته شده، می گوید حتی به اموری که باعث مقدمه چینی این عمل می شود، مانند چشم چرانی نزدیک نشوید. ب) در جمله «إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً» مشتمل بر سه تأکید است. عظمت این گناه را آشکار و آشکارتر می کند. ج) جمله

«ساء سبیلا» (راه زنا بد راهی است) بیانگر این واقعیت است که در جامعه این عمل راهی به مفاسد دیگر می‌گشاید. (مکارم شیرازی، ۱۰۳/۱۲ - ۱۰۲) بعد از نزول این آیه، خداوند در آیه ۱۵ سوره نساء و آیه ۲ سوره نور حکم این عمل شنیع و زشت را صادر کرد. خداوند برای این عمل، سخت‌ترین مجازات‌ها را در نظر گرفته است و پیامبر (ص) مجری احکام آن بوده است و در چند آیه به این مجازات‌ها و زشتی این عمل اشاره کرده و حتی برای پیش‌گیری این عمل فرموده است: «و لا تقربوا الزنی». قرآن بدین ترتیب زنا و زناکاری را نسخ کرده است و می‌گوید در اجرای حکم آن هیچ دلسوزی نکنید که این نشان از شدت شنیع بودن این عمل است. پیامبر گرامی اسلام (ص) برای مبارزه با این عمل زشت علاوه بر کار فرهنگی و تربیتی و ایجاد نظارت عمومی و شیوه‌های متنوع فکری و ایجاد زمینه رشد و تعالی در جامعه آن روز، به تعیین مجازات‌های قانونی در برابر مفسدان اقدام نمود. اسلام در اجرای حدود، همچنین سفارش کرده است: با توجه به بافت زندگی بشر، آلودگی‌های اخلاقی در یک فرد ثابت نمی‌ماند و به جامعه نیز سرایت می‌کند. لذا برای پاکسازی باید همان‌گونه که گناه بر ملا شده، مجازات نیز بر ملا گردد، لذا دستور داده شده است که حدود الهی علنی اجرا گردد؛ زیرا مشاهده مجازات مجرم نقش بازدارندگی دارد و لطفی از طرف خداوند برای مردم است.

۲. به ارث رفتن زنان و دختران

در جوامع الجامع آمده است: روش مردم جاهلیت این بود که با همسر پدر خود ازدواج می‌کردند و برخی از مردم جاهلی این نوع ازدواج را «مقت» (تنفر آمیز) و فرزندان که ثمره آن بودند «مقتی» (فرزندان مورد تنفر) می‌نامیدند و از این رو خداوند فرمود: «وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِّنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا» (نساء، ۲۲) «و با زنانی که پدرانتان به ازدواج خود درآورده‌اند، نکاح نکنید، مگر آنچه که پیش‌تر رخ داده است؛ چرا که آن، زشتکاری و [مایه] دشمنی و بد راهی بوده است». «ومقتاً» معنایش این است که با زنانی که پدران شما با آن‌ها ازدواج کرده‌اند، ازدواج نکنید؛ زیرا زشت و منفور و دور از جوانمردی است و زشتی آن بیش از حد و غیر قابل تصور است. «و ساء سبیلا» یعنی این ازدواج فاسد و زشت، روش نادرست و بدی است. (قرطبی، ۵۷۲/۱)

همچنین خداوند در آیه ۱۹ سوره نساء می‌فرماید: «با ایها الذین آمنوا لایحل لکم ان ترثوا النساء کرهاً». یکی از رفتارهای ظالمانه مردان در دوران جاهلیت ازدواج با زنان ثروتمند

زشت رو، برای چپاول ثروتشان بود که پس از ازدواج نه مانند همسر با آنان رفتار می‌کردند و نه طلاقشان می‌دادند و منتظر بودند که زن بمیرد و ثروتش را چپاول کنند. (مکارم شیرازی، ۳/ ۳۵۵)

قرآن به وسیله پیامبر اکرم (ص) با این عمل آنان به مبارزه برخاست و آن را نهی کرده و «مقت» یعنی عمل بسیار تنفرآمیز نامید. اسلام از حقوق زن دفاع کرد و چنین عملی را در دین خدا بسیار زشت شمرد، به حدی که زشتی این عمل را غیر قابل تصور بیان کرد، این عمل را دور از جوانمردی دانست و چنین ازدواجی را فاسد و روش نادرستی معرفی کرد و با این سخن ارزش یک زن را در جامعه به عنوان یک مادر تثبیت کرد.

۳. بی نصیب کردن زن از مهریه

اعراب جاهلی، با اینکه مهر را یکی از شروط عقد می‌دانستند، ولی غالباً مهر را که حق مسلم زن بود، در اختیار اولیای او قرار می‌دادند یا در ازدواج‌های جاهلی مانند شغار مهریه خواهر یا دختر خود را در مقابل مهریه خواهر یا دختر فرد دیگری قرار می‌دادند. (مکارم شیرازی، ۳/ ۲۹۷)

اسلام برای دفاع از حقوق زن در آیه ۴ سوره نساء فرموده است: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِن طِبْنَ لَكُمْ عَن شَيْءٍ مِّنْهُنَّ فَاكْلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيًّا»؛ «و مهر زنان را به عنوان هدیه‌ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید و اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما واگذاشتند، آن را حلال و گوارا بخورید».

در تفسیر المیزان ذیل این آیه آمده است: «صدقه به معنای مهریه‌ای است که به زنان می‌دهند و «نحله» به معنای عطیه‌ای است مجانی که در مقابل ثمن قرار نگرفته باشد. اساساً در بین سنن ازدواج مردم این طور بوده که معمولاً پولی را عوض عصمت او قرار دهند. پس مهریه چیزی نبوده که اسلام قرار داده باشد، بلکه حتی قبل از اسلام و در میان دیگر جوامع نیز مهریه وجود داشته است. اسلام مهریه را که روش معمول و جاری مردم بود، امضاء کرده است». (طباطبائی، ۳/ ۲۶۵)

قرآن، مهر را متعلق به زن و زن را مالک مهر می‌داند و هرگونه دخل و تصرف در مهر زن باید با اجازه او انجام گیرد. اسلام این فرهنگ جاهلی را توسط پیامبر خود در جامعه تعدیل کرد.

۴. تحمیل عدّه زیاد بر زنان

در زمان جاهلیت هرگاه زنی شوهرش می‌مرد، باید یک سال تمام صبر می‌کرد و حتی گاهی حق بیرون آمدن از خانه را نداشت و یا باید در جایی بیرون از آن شهر چادر می‌زد و در آن جا می‌ماند تا آن یک سال تمام شود. (نوری، ۶۱۸) اسلام برای دفاع از حقوق زن در آیه ۲۳۴ سوره بقره فرموده است: «وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»؛ «و کسانی از شما که می‌میرند و همسرانی بر جای می‌گذارند، [همسران] چهار ماه و ده روز انتظار می‌برند پس هر گاه عدّه خود را به پایان رساندند، در آنچه آنان به نحو پسندیده درباره خود انجام دهند، گناهی بر شما نیست و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است». علامه طباطبائی (ره) ذیل این آیه می‌نویسد: «توفی» به معنای «میراندن»، کلمه «بذرون» به معنای رها کردن و ترک کردن و مراد از «بلوغ اجل» تمام شدن مدت عدّه است و جمله «فلا جناح علیکم» کنایه از اختیار دادن به زنان در کارهایشان می‌باشد، پس اگر خواستند، ازدواج کنند، می‌توانند (البته پس از چهار ماه و ده روز) و خویشاوندان میت نمی‌توانند او را از این کار بازدارند، به استناد اینکه در فامیل ما چنین چیزی نیست. (طباطبائی، ۳۶۳/۲ - ۳۶۴) این آیه بر تمام خرافات خط بطلان کشیده و به زنان بیوه اجازه داده است بعد از نگهداری عدّه و حفظ حریم زوجیت گذشته، اقدام به ازدواج کنند. از آنجایی که گاه اولیاء و بستگان زن، دخالت‌های بی‌موردی در کار او می‌کردند و یا منافع خود را در ازدواج آینده زن در نظر می‌گرفتند، خداوند در پایان آیه هشدار داده است: «خداوند از هر کاری که انجام می‌دهید، آگاه است و هر کس را به جزای اعمال نیک و بد خود می‌رساند». «والله بما تعملون خبیر» در آیه ۲۳۵ بقره «لا جناح علیکم فیما... با توجه به اینکه مخاطب، مردان فامیل هستند، نشان می‌دهد که گویی آزاد گذاشتن زن را بعد از مرگ شوهر برای خود گناه می‌دانستند و سختگیری را وظیفه می‌شمردند، خداوند در این آیه به وضوح می‌گوید آن‌ها را آزاد بگذارید و هیچ گناهی بر شما نیست و از زنان هم می‌خواهد که از آزادی خود سوء استفاده نکنند و به طور شایسته برای انتخاب شوهر خود اقدام نمایند. (مکارم شیرازی، ۱۹۳/۲ - ۱۹۴)

اسلام همچنین بعضی از سختگیری‌هایی که به زن بیوه می‌شد را برداشت و بر تمام خرافات خط بطلان کشید و البته از زنان خواست که از آزادی خود سوء استفاده نکنند. در این راستا، عدّه را که در عصر جاهلیت بود، قبول کرد. ولی از مدّت آن کاست و با این

موضوع به صورت تعدیلی برخورد کرد.

و) مبارزه پیامبر (ص) با اقسام طلاق در عصر جاهلی

۱. ظهار

«ظهار در دوران جاهلی به منزله طلاق در اسلام بود و آن گاه که صیغه «ظهار» از سوی شوهر نسبت به زن جاری می شد، میان آن دو، رشته زن و شوهری گسیخته می شد و از آن پس، این زن بر شوهر خود - برای همیشه - حرام بود و هیچ گاه شوهر نمی توانست به او رجوع نموده و یا با او مجدداً ازدواج کند. برای نخستین بار بود که پس از ظهور اسلام میان زن و شوهر، مسئله «ظهار» روی داد و آن دو در صدد چاره جویی برآمدند و می خواستند پیوند خانوادگی را دوباره در زندگیشان اعاده کنند و سرانجام آیاتی در جهت حل این مشکل نازل شد و برای اعاده این پیوند گسیخته و خنثی کردن تحریم ابدی - که با اجرای صیغه ظهار آن دو برای همیشه از یکدیگر بیگانه می شدند - حکم کفاره «ظهار» نازل شد که پس از اجرای حکم کفاره نسبت به یکدیگر حلال می شدند». (حجتی، ۷۶)

خداوند در این مورد فرموده است: «الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِّن نِّسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا أَلْيَٰ وَوَلَدُهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ» (مجادله، ۲)
«از میان شما کسانی که زنانشان را «ظهار» می کنند او می گویند: پشت تو چون پشت مادر من است [آنان مادرانشان نیستند. مادران آنها تنها کسانی اند که ایشان را زاده اند و قطعاً آنها سخنی زشت و باطل می گویند و [الی] خدا مسلماً درگذرنده آمرزنده است».

صاحب المیزان، ذیل شش آیه اول سوره مجادله آورده است: «ظهار یکی از اقسام طلاق در جاهلیت بوده که وقتی کسی می خواسته زنش را بر خود حرام کند، می گفته: «انت منی کظهر امی» و زنش تا ابد بر او حرام می شده است. منظور از آیه ۲ سوره مجادله «الذین یظاهرون منکم من نساءهم...» این است که کسانی که همسران خود را ظهار می کنند، با این عمل همسرشان مانند مادرشان نمی شود. مادرشان تنها آن کسی است که ایشان را زاییده و با این بیان حکم ظهار که در جاهلیت بین مردم عرب معروف بود، لغو و اثرش را که حرمت ابدی بود نفی نموده، اثر دیگرش را که مادر شدن همسر برای شوهرش باشد، انکار می نماید. پس معنای جمله «مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ» این را می رساند که از نظر شرع همسران به مادران ملحق نشده و ظهار، آنان را برای ابد حرام نمی سازد». (طباطبائی، ۳۱۳/۱۹ - ۳۱۲)

برخورد قاطع اسلام و نزول این آیات از سوی خداوند و بیان و اجرای آن توسط پیامبر (ص)

در بین مردم در مسئله زهار بیانگر این واقعیت است که اسلام هرگز اجازه نمی‌دهد حقوق زن به وسیله مردان خودکامه با استفاده از رسوم و عادات ظالمانه و جاهلانه مورد تجاوز قرار گیرد. اسلام، حکم زهار را که در جاهلیت بین مردم عرب معروف بود، لغو و اثرش را که حرمت ابدی بود، نفی نمود و اثر دیگرش را که مادر شدن همسر برای شوهر باشد، انکار کرد و برای اینکه این رسوم جاهلیت را کنار بگذارند، کفاره نسبتاً سنگینی را برای رجوع دوباره مرد به زن قرار داد که عبارت بود از: مرحله اول، آزادی یک برده. اگر توانایی این کفاره را نداشت مرحله دوم، دو ماه پشت سر هم روزه گرفتن و اگر توانایی انجام این کار را نداشت مرحله سوم، اطعام شصت مسکین. اسلام، این کفاره سنگین را برای شخص زهار کننده واجب کرد تا دیگر اعراب به سنت‌های دوران جاهلیت برنگردند و به این طریق، با این سنت جاهلی مبارزه کرد.

۲. ایلاء

ایلاء در جاهلیت شیوه آزدن و ضرر زدن به زنان بود. اگر مردی زنش را دوست نداشت، ضمناً نمی‌خواست که او همسر دیگری شود، سوگند می‌خورد که با وی همبستر نشود. بنابراین او را به حالت نه بیوه و نه شوهردار نگه می‌داشت و خدای تعالی، مدت ایلاء را چهار ماه قرار داد تا نظر نهایی مرد نسبت به زنش معلوم شود. (ذکاوته قراگزولو، ۴۴/۱)

اسلام برای دفاع از حقوق زن در مقابل این سنت جاهلی در آیاتی فرموده است: «لِّلَّذِينَ يُؤَلُّونَ مِن نِّسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِن فَاءَ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» (بقره، ۲۲۶) «برای کسانی که به ترک همخوابگی با زنان خود، سوگند می‌خورند [ایلاء]، چهار ماه انتظار [و مهلت] است، پس اگر [به آشتی] باز آمدند، خداوند آمرزنده مهربان است.» «وَإِن عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (بقره، ۲۲۷) «و اگر آهنگ طلاق کردند، در حقیقت خدا شنوای داناست.»

در تفسیر المیزان در مورد معنای آیات مورد بحث آمده است: «هر کس سوگند بخورد که دیگر به همسرش نزدیک نشود، حاکم چهار ماه صبر می‌کند، اگر برگشت و حق همسرش را ادا کرد؛ یعنی با او همبستری نمود و کفاره شکستن قسم خود را داد، مجازاتی در حق او نیست و اگر هم تصمیم گرفت طلاقش دهد و طلاقش داد باز مجازاتی در حق او نیست؛ چون طلاق هم گریزگاه دیگری است از عقاب و خدا شنوای داناست.» (طباطبائی، ۳۳۹/۲)

پس اسلام با این سنت غلط مبارزه کرد و ایلائی را که عرب سوگند می‌خورد تا آخر عمر

با زنش نزدیکی نکند، به چهار ماه محدود کرد. اسلام حتی برای کسی که چنین سوگندی می خورد، برای شکستن قسم و سوگند، کفاره قرار داد تا کسی به این سنت عصر جاهلی برگشت نکند. پس اسلام این سنت را که در عصر جاهلی بوده است، تعدیل کرد، بدون اینکه هیچ کسر شأنی برای زن ایجاد شود.

۳. ضرار

نوع دیگری از اعمال ظالمانه‌ای که نسبت به زن در جاهلیت صورت می گرفت، این بود که مردان برای این که همسران خود را تحت فشار قرار دهند، پی در پی او را طلاق داده و رجوع می کردند که به آن طلاق ضرار می گفتند. خداوند برای جلوگیری از این عمل ناجوانمردانه، آیه زیر را نازل کرد و عدد طلاق را بیان نمود. «الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ» (بقره، ۲۲۹) «طلاق [رجعی] دو بار است. پس از آن، یا [باید زن را] به خوبی نگاه داشتن، یا به شایستگی آزاد کردن. و برای شما روا نیست که از آنچه به آنان داده‌اید، چیزی بازستانید. مگر آنکه [طرفین] در به پا داشتن حدود خدا بیمناک باشند».

در تفسیر مجمع البیان آمده است: «هشام بن عروه از پدرش و او از عایشه نقل کرده است که زنی نزد او آمد و از شوهرش شکایت کرد که برای ضرر زدن به او پیوسته طلاقش می دهد و باز رجوع می کند و این مطابق رسمی بود که در زمان جاهلیت داشتند که زن های خود را طلاق می دادند و قبل از تمام شدن مدت زمان عدّه رجوع می کردند و این طلاق ها و رجوع ها حدی نداشت و ممکن بود این کار به هزار مرتبه هم برسد. عایشه شکایت این زن را به رسول اکرم (ص) عرضه داشت. در این وقت، آیه نازل شد و حدّ طلاق را سه بار قرار داد که در دو طلاق امکان رجوع و بازگشت وجود دارد و در طلاق سوم دیگر زن بر او حلال نیست تا وقتی که شوهر دیگر با او ازدواج کند. اگر شوهر دوم باز او را طلاق داد و عدّه او سپری شد، شوهر اول می تواند مجدداً او را عقد کند». (مترجمان، ۱۲/۳)

پس اسلام با این سنت جاهلیت مبارزه کرد و برای اینکه حق زن ضایع نشود، با نزول آیاتی به پیامبرش دستور داد که به مردم بگوید که طلاقی که رجوع و بازگشت دارد، دو مرتبه است و در مرتبه سوم بازگشتی وجود ندارد. همچنین برای دفاع از حقوق زن به این مقدار هم بسنده نکرد و در ادامه فرمود که حقوق زن را بپردازید و بعد از جدایی پشت سر او سخنان نامناسب نگویند و مردم را نسبت به او بدبین نسازید و امکان ازدواج را از او نگیرید.

پس خداوند با نازل کردن این آیه از یکی از سنت‌های جاهلی طلاق مبارزه و این سنت را که به ضرر زن بود، تعدیل کرد.

نتیجه گیری

آنچه از بررسی شیوه‌های مبارزاتی پیامبر (ص) با فرهنگ زن ستیزی عصر جاهلی از دیدگاه قرآن کریم می‌توان به دست آورد، این است که حاصل بیست سال دعوت علنی و تبلیغات مستمر پیامبر (ص)، فروپاشی نظام جاهلی بود. این تلاش بی‌وقفه از یک سو باورهای ریشه‌دار مربوط به زنان را ویران نمود و از سوی دیگر، بر ویرانه‌های آن هنجارها، الگوها و ارزش‌هایی هم‌نوا با ساخت جامعه اسلامی ایجاد کرد. در این مسیر دشوار آموزه‌های قرآنی و تعالیم حیاتی و فعالیت‌های فرهنگی پیامبر اکرم (ص)، در دگرگونی اجتماعی نظام جاهلی مؤثر افتاد. وی با ابزارهای اخلاقی مبتنی بر ایجاد اعتماد عمومی، انگاره‌های فرهنگ اسلامی را ترویج و تقویت نمود و با تصحیح ارتباطات فردی و تغییر رفتار جمعی ظرفیت‌های اجتماعی را برای تحقق درونی‌سازی ارزش‌ها توسعه بخشید. در مجموع نتایج و رهیافت‌هایی که از این مقاله به دست آمده، به شرح زیر است:

- الف) ایجاد تحول فکری براساس عقل و وحی
- ب) ارزش‌گذاری به شخصیت وجودی زن به عنوان یک انسان و بیان مساوات بین زن و مرد
- ج) اصلاح نگرش مردان نسبت به زنان
- د) شرکت دادن زنان در فعالیت‌های اجتماعی همراه و همگام با مردان
- ه) حفظ حقوق زن به هنگام ازدواج و طلاق
- و) بیدار نمودن افکار عمومی و توجه دادن جامعه به ضرر و زیان ناشی از مفاسد اخلاقی.



منابع

۱. قرآن
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهود، ۱۳۸۰ش
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق
۴. ابن هشام، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و دیگران، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۸۵م
۵. آذرنوش، آذرتاش، راه های نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی، تهران، توس، ۱۳۷۴ش
۶. بابایی، احمد علی، برگزیده تفسیر نمونه، تهران، دار احیاء الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش
۷. بندریگی، محمد، المنجد، تهران، انتشارات ایران، ۱۳۷۴ش
۸. جعفری تبریزی، محمد تقی، فرهنگ پیرو و پیشرو، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۷۹ش
۹. جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جمال و جلال، قم، انتشارات فرهنگی رجا، ۱۳۷۴ش
۱۰. حجتی، سید محمد باقر، اسباب النزول حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷ش
۱۱. حرّعاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۴ق
۱۲. ذکاوئی قراگزلو، علیرضا، اسباب النزول، ترجمه ذکاوئی، تهران، نشرنی، ۱۳۸۳ش
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ترجمه و تحقیق سید غلامرضا خسروی حسینی، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ش
۱۴. زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۵ش
۱۵. طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳ش
۱۶. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ش
۱۷. علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۰م
۱۸. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۳ش
۱۹. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۶۴ش
۲۰. مترجمان، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق رضا ستوده، تهران، فراهانی، ۱۳۶۰ش
۲۱. مجله معرفت، شماره ۱۶، مقاله ای از محمدعلی رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵ش
۲۲. مطهری، مرتضی، نظام حقوقی زن در اسلام، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۶۹ش
۲۳. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، انتشارات آدانا، ۱۳۸۱ش
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش
۲۵. نوری، یحیی، جاهلیت در اسلام، تهران، مرکز انتشارات بنیاد علمی اسلامی، ۱۳۶۰ش